

آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران

ترامپ به احیای توافق‌ی که از آن خارج شد تن می‌دهد؟

دونالد ترامپ برای توقف پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران با معضلی پیچیده روبه‌روست. بخشی از این مشکل ناشی از تصمیم خود رئیس جمهور است؛ در سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ از توافق موجود یعنی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) خارج شد و آن را «بدترین توافق تاریخ» نامید. نیویورک تایمز مدعی شد؛ در سال‌های پس از آن، ایران برنامه هسته‌ای خود را به طرز چشمگیری گسترش داد، هزاران سانتریفیوژ پیشرفته تعریف کرد که برخی از آنها در اعماق زمین، نصب شده‌اند. همزمان طبق گزارش‌های ادعایی ایران به اندازه‌ای اورانیوم غنی‌سازی کرده که می‌تواند ظرف چند هفته از آستانه‌گریز هسته‌ای عبور کند. در چارچوب توافق قبلی که بیشتر مفاد آن تا سال ۲۰۳۱ برقرار می‌ماند ایران برای رسیدن به این توانمندی ماه‌ها یا حتی یک سال فاصله داشت.

گزینه‌های محدود ترامپ

اکنون ترامپ مدعی توافق هسته‌ای جدیدی است و امیدوار است این توافق شامل «برچیدن کامل» برنامه غنی‌سازی ایران باشد. از همین رو دور چهارم رایزنی‌ها در حالی آغاز شد که هیات‌های ایرانی و آمریکایی با همان چالش‌هایی روبه‌رو هستند که پیش‌تر با باراک اوباما را به پذیرش برجام واداشت؛ چگونه می‌توان ایران را به پذیرش محدودیت‌های معنادار در برنامه هسته‌ای‌اش متقاعد کرد، بدون آنکه در صورت امتناع تهران ناگزیر به استفاده از اهرم ادعایی سخت شد. توافق پیشین در برابر محدودیت‌های بلندمدت بر برنامه غنی‌سازی ایران و یک رژیم بازرسی سخت‌گیرانه (ادعایی)، بخشی از تحریم‌ها را برداشت. برای جلب رضایت تهران، ایالات متحده ناگزیر به پذیرش برخی مصالحه‌ها شد؛ از جمله ادامه غنی‌سازی در داخل ایران و گنجاندن «بندهای غرب» برای برخی مفاد. این توافق همچنین برنامه موشکی بالستیک ایران یا حمایت مالی تهران از محور مقاومت مانند حزب‌ا... و حماس را در بر نمی‌گرفت. اما دولت اوباما به هدف اصلی خود، توقف پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و جلوگیری از عبور این کشور از آستانه‌گریز هسته‌ای دست یافت و از رویارویی نظامی با برنامه هسته‌ای ایران اجتناب کرد. امروز، همزمان با تغییر معادلات منطقه؛ خاورمیانه در شرایط حساسی قرار دارد. با این همه، مقام‌های رسمی ایران در باره برنامه هسته‌ای این کشور همچنان سرسخت‌اند. آنها تأکید دارند که از برنامه غنی‌سازی یا برنامه موشک‌های بالستیک خود دست نخواهند کشید و تنها در صورتی حاضر به پذیرش توافقی جدید هستند که در این توافق محدودیت‌های اقتصادی به شکلی گسترده برداشته شده و تضمین‌هایی جهت جلوگیری از خروج مجدد ایالات متحده از توافق تعریف شود. حال اگر تهران از خطوط قرمز خود عقب‌نشینی نکند، ترامپ ناگزیر خواهد شد یا توافقی مشابه همان توافق را بپذیرد که پیش‌تر رد کرده بود، یا به اهرم ادعایی سخت متوسل شود؛ اقدامی با پیامدهایی کاملاً غیرقابل پیش‌بینی.

آنها گزینه پریزدنت

این نشریه در ادامه آورد؛ اما شاید راه حلی وجود داشته باشد. به جای احیای توافق ۲۰۱۵ با همان چارچوب قبلی یعنی «چیزی در برابر همان چیز» ترامپ می‌تواند پیشنهاد «امتیازهای حداکثری در برابر امتیازهای حداکثری» را مطرح کند. رفع بیشتر تحریم‌ها در برابر محدودیت‌های بیشتر و ماندگارت‌ر بر برنامه هسته‌ای ایران. ایالات متحده می‌تواند در برابر یک توافق بلندمدت یا حتی نامحدود و محدودیت‌های اساسی بر برنامه هسته‌ای ایران، تسهیلات اقتصادی چشمگیری ارائه دهد؛ از جمله لغو تحریم‌های ثانویه بر فروش نفت. واشنگتن باید ببیند که برنامه غنی‌سازی ایران ادامه خواهد یافت، اما در عوض خواستار محدودیت‌های عمیق‌تر بر سانتریفیوژهای پیشرفته، اندازه و درجه خلوص ذخایر اورانیوم و غنی‌سازی در تاسیسات زیرزمینی شود و در کنارش بر راستی آزمایش‌های سترده‌تر تأکید کند. چنین توافقی می‌تواند برای ایران جذاب باشد. رشد نزدیک به صفر، تورم بیش از ۳۰ درصد، بیکاری نزدیک به ۱۰ درصد و رکودشکنی نرخ برابری دلار در برابر ریال از معضلات حاکم بر اقتصاد ایران است. همزمان افکار عمومی ایران که سال گذشته به مسعود پزشکیان که با وعده بهبود اقتصاد آمده بود، رای دادند، به شدت خواهان گشایش هستند و تقریباً از هر توافقی هسته‌ای‌ای که چنین امکانی فراهم آورد، استقبال خواهند کرد. این توافق برای ترامپ نیز یک پیروزی سیاسی خواهد بود؛ چرا که می‌تواند مدعی شود توافقی «بهتر» از اوباما به دست آورده است با محدودیت‌های بیشتر بر برنامه هسته‌ای ایران و منافع اقتصادی برای ایالات متحده.

گزینه کم هزینه‌تر

نیویورک تایمز در ادامه آورد؛ به نظر می‌رسد ایران قواعد بازی را به خوبی می‌داند. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران به صورت علنی اقتصاد ایران را «فرصتی هزار میلیارد دلاری» معرفی کرده و از امکان قراردادهایی با شرکت‌هایی چون بوئینگ سخن گفته است؛ قراردادهایی که می‌توانند شغل‌هایی در آمریکا ایجاد کنند. البته رفع کامل تحریم‌های آمریکا علیه ایران (به ادعای این نشریه) بعید خواهد بود. اما ترامپ می‌تواند در ازای مفاد مشخص، مجوزهای صادراتی خاصی برای سرمایه‌گذاری بافروش کالا به ایران صادر کند، به شرکت‌های تابعه آمریکایی اجازه ازسریگیری فعالیت در ایران دهد و صادرات کشاورزی آمریکا که اکنون تحت تأثیر سیاست تعرفه‌ای جدید ترامپ آسیب دیده را تحت معافیت‌های بشردوستانه تسهیل کند. بدیهی است که دادن هرگونه تسهیلات اقتصادی به ایران که همچنان به‌طور عمیق با ایالات متحده خصومت دارد، ممکن است برخی از معادلات خاورمیانه را برهم بزند، با این حال، این گزینه در رقیاس با گزینه‌های دیگر کم هزینه‌تر است. از همین رو یک توافق «امتیاز حداکثری در برابر امتیاز حداکثری» می‌تواند برای ترامپ جذاب باشد؛ توافقی «بهتر» از توافق اوباما، سودمند برای اقتصاد آمریکا، و پرهیز از جنگی پرهزینه در خاورمیانه. مهم‌تر از همه، این راه، راهی درست خواهد بود.

عزت‌ا... یوسفیان ملادر گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ایران باید آمریکارادر

شرایط غیرقابل پیش‌بینی قرار دهد



دولت ترامپ می‌خواهد با رویکردی متناقض

فرصت برنامه‌ریزی را از ایران بگیرد

دیدگاه ترامپ درباره غنی‌سازی ممکن است

یکباره ۱۸۰ درجه تغییر کند

آرمان ملی- احسان انصاری: دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا تحت تأثیر اظهارات قبل از آغاز مذاکرات درباره توقف غنی‌سازی ایران بود. این اظهارات درحالی مطرح شد که ترامپ در روزهای آخر هفته جاری قرار است به عربستان سفر کند و دراین سفر موضع رسمی خود را درباره مذاکره با ایران مطرح کند. نکته دیگر اینکه برخلاف ابتدای مذاکرات که اظهارات متناقضی درباره میزان غنی‌سازی ایران در بین مقامات کاخ سفید وجود داشت در شرایط کنونی به نظر می‌رسد دولت ترامپ به جمع‌بندی مشترک درباره توقف غنی‌سازی ایران رسیده است. اتفاقی که خط قرمز ایران تلقی می‌شود و به همین دلیل آینده مذاکرات در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی محتوا و چشم‌انداز مذاکرات ایران و آمریکا با دکتر عزت‌ا... یوسفیان ملانماینده ادوار مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده است. یوسفیان ملا معتقد است: «اگر طرفین همچنان روی مواضع صددردی خود پافشاری کنند دیگر مذاکرات خود را از

چرا تناقض در کابینه ترامپ درباره مذاکره با ایران روزبه‌روز بیشتر شده‌است؟

رویکرد دولت ترامپ به شکلی بوده که طرف مقابل را با ابهامات زیادی مواجه کند. آمریکا در ابتدای مذاکرات روی میزان غنی‌سازی ۲/۶ تمرکز داشت و عنوان می‌کرد که ایران تا به این میزان می‌تواند غنی‌سازی انجام بدهد. به همین دلیل نیز در دور سوم مذاکرات شاهد این بود که گروه‌های فنی دو طرف که سیاسی نیستند در مذاکرات حضور داشتند. هنگامی که پای گروه فنی به مذاکرات باز می‌شود به این معنی است که طرفین در کلیات به توافق دست پیدا کرده‌اند و روی یک عدد درباره غنی‌سازی به جمع‌بندی رسیده‌اند. در چنین شرایطی برای آمریکاییان نکته مسجل می‌شود که ایران بیشتر از این میزان غنی‌سازی نمی‌کند و ایران نیز به این نتیجه می‌رسد که افزایش میزان غنی‌سازی بیش از میزان توافق شده به معنای این است که مسیر حرکت به سمت تنش نظامی تغییر وضعیت خواهد داد. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که در مدتی که مذاکرات بین ایران و آمریکا برگزار شد چهره‌های موثر تصمیم‌گیر در کاخ سفید مواضع متفاوت و متناقضی نسبت به مذاکرات و ایران اتخاذ کردند. نکته مهمی که در این زمینه وجود داشت اظهارات مقامات آمریکایی درباره میزان غنی‌سازی ایران بود که در ابتدا عنوان کردند ایران می‌تواند تا ۲/۶ غنی‌سازی انجام بدهد اما به تازگی عنوان می‌کنند ایران باید غنی‌سازی خود را به صورت کامل متوقف کند.

ترامپ به چه میزان تحت تأثیر این مواضع متناقض است؟ آیا وی نیز به دنبال توقف کامل غنی‌سازی ایران است؟

رفتار و اقدامات ترامپ نیز در این مدت متناقض و عجیب بوده است. به عنوان مثال وی در یکی از مصاحبه‌های اخیر خود سه بار موضع خود را تغییر داد و هر بار نکته دیگری عنوان کرد. ترامپ در ابتدا گفت ایران نباید غنی‌سازی داشته باشد، بعد گفت نسبت به مذاکره با ایران خوشبین است و در نهایت مواضع بینابینی اتخاذ کرد که ایران هم می‌تواند به شکلی متناقض اعلام موضع کنند که طرف مقابل نتواند برنامه‌ریزی کند. کاخ سفید گمان می‌کند اگر مواضع خود را به صورت شفاف مشخص نکند برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی برای طرف مقابل سخت خواهد شد. این در حالی است که اگر صدای واحدی از کاخ سفید به گوش برسد کار برای برنامه‌ریزی و تقابل به مثل راحت‌تر خواهد بود. البته دیدگاه

ترامپ در ابتدا گفت ایران نباید غنی‌سازی

داشته باشد، بعد گفت نسبت به مذاکره با ایران خوشبین است و در نهایت مواضع بینابینی اتخاذ کرد که ایران هم می‌تواند غنی‌سازی داشته باشد هم نداشته باشد!



دست می‌دهد و به نتیجه نخواهد رسید. تنها در صورتی که تغییراتی در دیدگاه‌های طرفین به وجود بیاید احتمال به نتیجه رسیدن مذاکرات وجود خواهد داشت. اعضای دولت آمریکا در نهایت تلاش خواهند کرد دیدگاه‌های خود را با دیدگاه‌های ترامپ تطبیق بدهند. شاید ویتکاف و رویو دیدگاه دیگری درباره مذاکرات داشته باشند اما به نظر می‌رسد با توجه به شخصیت ترامپ جرات ایران آن را ندارند. شرایط به شکلی است که اگر نظرات ترامپ به یکباره صد و هشتاد درجه نیز تغییر کند نظرات اعضای دولت ترامپ نیز تغییر خواهد کرد. ترامپ قصد داشت در سفری که آخر هفته جاری به عربستان دارد موضع رسمی خود را درباره مذاکرات با ایران اعلام کند اما پس از مدتی به این نتیجه رسیدند که قبل از این اقدام یک دور جلسه دیگر با ایران برگزار کنند تا آخرین نظرات ایران را درباره غنی‌سازی بشنوند و سپس تصمیم‌گیری کنند». در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

شرایطی مذاکره معنای خود را از دست خواهد داد. در واقع این پیشنهاد نیست و بلکه تحمیل است. اگر ایران به دست خود غنی‌سازی را متوقف کند چه تفاوتی با حمله و تخریب مراکز هسته‌ای ایران خواهد داشت؟ در واقع هر دو یک نتیجه را به همراه خواهد داشت. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که همه تحریم‌های ایران مرتبط با پرونده هسته‌ای نیست و اغلب آنها درباره مسائل مرتبط با حقوق بشر و یا مسائل دیگر است. از سوی دیگر در صورتی که آمریکا بخواهد تحریم‌ها را بردارد کار را سختی نیست و زمان زیادی نیاز دارد. در شرایط کنونی مذاکرات به نقطه حساس خود رسیده است. از یک طرف آمریکا عنوان می‌کند که ایران باید غنی‌سازی را متوقف کند و سانتری فیوهای خود را از کار ببنداند و از سوی دیگر نیز ایران عنوان می‌کند که توقف غنی‌سازی خط قرمز ایران است. در چنین شرایطی اگر یکی از طرفین از خواسته‌ها خود کوتاه نیاید، احتمال توقف مذاکرات وجود خواهد داشت. نقطه تاریک مذاکرات دور چهارم عدم حضور کارشناسان فنی بود. این اتفاق به معنای این است که طرفین هنوز درباره کلیات مذاکرات که مهم‌ترین ام میزان غنی‌سازی است به یک جمع‌بندی مشترک دست پیدا نکرده‌اند.

اگر مذاکرات متوقف شود با چه شرایطی مواجه خواهیم بود؟

اگر طرفین همچنان روی مواضع صددردی خود پافشاری کنند دیگر مذاکرات معنای خود را از دست می‌دهد و به نتیجه نخواهد رسید. تنها در صورتی که تغییراتی در دیدگاه‌های طرفین به وجود بیاید احتمال به نتیجه رسیدن مذاکرات وجود خواهد داشت. اعضای دولت آمریکا در نهایت تلاش خواهند کرد دیدگاه‌های خود را با دیدگاه‌های ترامپ تطبیق بدهند. شاید ویتکاف و رویو دیدگاه دیگری درباره مذاکرات داشته باشند اما به نظر می‌رسند با توجه به شخصیت ترامپ جرات ایران آن را ندارند. شرایط به شکلی است که اگر نظرات ترامپ به یکباره صد و هشتاد درجه نیز تغییر کند نظرات اعضای دولت ترامپ نیز تغییر خواهد کرد. ترامپ قصد داشت در سفری که آخر هفته جاری به عربستان دارد موضع رسمی خود را درباره مذاکرات با ایران اعلام کند اما پس از مدتی به این نتیجه رسیدند که قبل از این اقدام یک دور جلسه دیگر با ایران برگزار کنند تا آخرین نظرات ایران را درباره غنی‌سازی بشنوند و سپس تصمیم‌گیری کنند. ترامپ به دنبال این است که در سفر به عربستان تکلیف مذاکرات با ایران را مشخص کند که آیا دو کشور در مسیر دیپلماسی حرکت خواهند کرد و یا به گزینه دیگر فکر می‌کنند.

واقعیت این است که دور چهارم مذاکرات

نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده مذاکرات خواهد داشت و ازاین دور از مذاکرات می‌توان تا حدود زیادی متوجه شد که چه چشم‌اندازی پیش‌روی مذاکرات قرار دارد

به کشور دیگری همچون روسیه منتقل شود اما ایران می‌گوید ما این سوخت را می‌توانیم تحت نظارت آژانس در داخل کشور نگه داریم. آمریکایی‌ها خواهان کاهش غنی‌سازی ایران به ۲/۶۵ درصد هستند اما ما می‌گوییم سطح ۴۰ درصد غنی‌سازی هم جزو اهداف صلح‌آمیز است و آن را نیاز داریم. چالش سوم این است آمریکایی‌ها تصمیم می‌خواهند که صنعت هسته‌ای ایران به سمت ساخت بمب نرود. در نهایت ما توافقی مثل برجام خواهیم داشت البته کمی قوی‌تر امتیاز می‌دهیم تا ترامپ خوشحال شود.

یادداشت

اهمیت مساله فلسطین



محسن پاک‌آیین

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خود در دیدار جمعی از کارگران کشور مانند همیشه، بذراُمید در دل‌ها کاشتند و با تأکید بر پیروزی قطعی فلسطین بر اشغالگران صهیونیست، گفتند: «ذهن‌ها نباید از مسئله فلسطین منصرف بشود. جنایتی که رژیم صهیونیستی در غزه، در فلسطین انجام می‌دهد، چیزی نیست که قابل صرف‌نظر کردن باشد، همه دنیا باید در مقابلهش پایبستند؛ هم در مقابل خود رژیم صهیونیستی پایبستند، هم در مقابل حامیان رژیم صهیونیستی پایبستند، بدون تردید بیانات رهبر انقلاب درمورد شکست رژیم صهیونیستی و ضرورت توجه به موضوع فلسطین، یک تاکتیک تبلیغاتی برای ارتقای روحیه مردم فلسطین و جبهه مقاومت نبوده و مبتنی بر ایمان به وعده‌های الهی، اشراف کامل اطلاعاتی و شناخت دقیق ترفندهای دشمن است. در رابطه با بیانات ایشان به نکات زیر می‌توان توجه کرد. نخست؛ شواهد نشان می‌دهد که برجسته‌سازی برخی از تحركات اخیر در سطح جهان، ارتباط مستقیم با تحراف افکار عمومی از موضوع فلسطین و جنایات بی وقفه رژیم صهیونیستی در غزه دارد. بزرگنمایی اخبار مذاکرات آمریکا و روسیه درمورد اوکراین، مذاکرات غیر مستقیم ایران و آمریکا، جنگ تعرفه‌ای آمریکا علیه دیگر کشورها... از این قبیل موارد است. اسرائیل و حامیان صهیونیست‌ها سعی دارند با استفاده از این فرصت، نهاجم وحشانه خود به غزه و کرانه باختری را ادامه داده و اینگونه القا نمایند که حمله به فلسطین و نسل‌کشی در غزه، یک مسئله نه‌چندان مهم در میان تحولات جهانی است. دوم؛ اما واقعیت صحنه این است که آغاز عملیات طوفان الاقصی و حضور هماهنگ و شجاعانه محور مقاومت علیه رژیم اشغالگر قدس، ضربه بی‌سابقه‌ای بر ارکان حاکمیتی و منابع اقتصادی اسرائیل وارد کرده است. حاکمیت جعلی رژیم صهیونیستی که در یک طراحی درازمدت به دنبال نابودکردن هویت فلسطین و قدس شریف و ایجاد تفرقه میان مردم کرانه باختری و غزه بود، با وضعیت دشواری در میدان جنگ و محیط داخلی مواجه است. امروز مردم غزه و کرانه باختری در یک تقسیم‌کار هوشمندانه و بدون اعتنا به رویکرد سازشکارانه دولت خودگردان، قدرتمندانه در مقابل اشغالگران مقاومت می‌کنند. آنچه که اتفاق افتاده نشان از دوراندیشی رهبر انقلاب در خصوص لزوم حمایت از مقاومت در کرانه باختری و تسلیح آن داشته و تردیدی نیست که توفان غنی‌سازی خط قرمز ایران است. در چنین شرایطی اگر یکی از طرفین از خواسته‌ها خود کوتاه نیاید، احتمال توقف مذاکرات وجود خواهد داشت. نقطه تاریک مذاکرات دور چهارم عدم حضور کارشناسان فنی بود. این اتفاق به معنای این است که طرفین هنوز درباره کلیات مذاکرات که مهم‌ترین ام میزان غنی‌سازی است به یک جمع‌بندی مشترک دست پیدا نکرده‌اند.